

طرق تعدیل ثروت در اسلام و اجرای

عدالت اقتصادی

محرومیت بسر ببرند و مورد بیعدالتی و ستم باشند .

بنابراین همه محاسبات به ما فرمان می دهد که بایه عدالتی ها در این زمینه شدیداً مبارزه کنیم .

ولی بحث مهم اینجا است که کدام راه برای رسیدن به این هدف نزدیک تر و منطقی تر است؟ و چگونه می توانیم اصالت اسلامی انقلاب را حفظ کنیم و از هرگونه گرایش به شرق و غرب در این زمینه بپرهیزیم در عین حال عدالت واقعی را برقرار سازیم ؟

تعدیل ثروت از نظر اسلام به این معنی نیست که اموال مشروع زید را بگیریم و به عمر بدهیم، چرا که اینکار نه برای زید مفید است و نه برای عمر و نه برای کل جامعه!

بدون شك تا عدالت اقتصادی در جامعه برقرار نشود عدالت اجتماعی مفهومی نخواهد داشت، و به تعبیر دیگر تا اکثریت مردم يك جامعه، در فقر و تنگدستی بسر می برند و اقلیتی صاحب همه چیز هستند جامعه روی آرامش بخود نخواهد گرفت.

مخصوصاً در انقلاب شکوهمند اسلامی ما که بارسنگین و پایه اصلی انقلاب بر دوش طبقات محروم و به اصطلاح پاهای برهنه ها بوده است، فلسفه این «عدالت اقتصادی اجتماعی» روشن ترمی شود، زندانها را غالباً این گروه رفته اند، شکنجه ها را آنها دیده اند، و دیروز و امروز در خیابانها و مرزها خون پاك آنان است که به زمین ریخته می شود، بنابراین دلیلی ندارد که آنها مثل زمان طاغوت، در

«اولی» در کار خود دلسرد می شود و دست از تولید برمی دارد ، «دومی» تنبیل می شود و باد آورده او را باد می برد ، و از نظر کلی جامعه وابستگی به خارج بیشتر میگردد ، زیرا که لازمه کم شدن تولید چیزی جز این نخواهد بود .

حتی اموال نامشروع که از این قانون مستثنی است و به حکم اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی باید از چنگال غاصبان به در آورده شود ، نباید به صورتی درآید که جمعی را کل بر بیت المال کند یا همچون بعضی از کارهای بنیاد مستضعفان باری بردوش آنها بگذارد بلکه باید اگر صاحبان اصلی این اموال غصبی شناخته نیست به صورت سازنده ای در اختیار محرومان قرار گیرد به صورتی که نیروی ابتکار و خلاقیت و تلاش و کوشش را در آنها افزایش دهد ، و به استقلال اقتصادی آنها کمک کند .

تعدیل ثروت از نظر اسلام و به معنی سازنده اش اینست که کانیالهای درآمد را برای کوتاه مدت ، و از آن مهمتر دراز مدت ، از طرق صحیح و مشروع آنچنان تنظیم کنیم که ثروتها خود بخود در یک قطب جامعه جمع نشود ، اجرای دقیق احکام اسلام در زمینه مسائل اقتصادی بهترین تضمین برای وصول به این هدف است ، اینکار از هر جهت مطمئن تر و سازنده تر و پر بار-

تراست:

برای رسیدن به این هدف کافی است که اصول زیر به کار گرفته شود .

۱- حمایت حکومت اسلامی از قشرهای کم درآمد:

برای وضوح این بحث ذکر یک مثال قبلاً لازم بنظر می رسد . فرض کنید ما برای تغذیه یک جمعیت و تأمین نیازمندی های آنها منبع درآمدی جز «صید ماهی از دریا» در اختیار نداریم .

آیا مفهوم تعدیل ثروت اینست که ما گروهی را مأمور کنیم ماهی ها را صید کنند و میان افراد جامعه بطور مساوی تقسیم کنیم .

مسئلاً اینکار عاقلانه نیست .

عاقلانه اینست که همه مردم را دعوت به صید ماهی و فعالیت در این رابطه کنیم ، منتها آنها که توانائی کمتری برای صید ماهی دارند و ممکن است از دیگران عقب بمانند و در نتیجه تهی دست و کم درآمد شوند به کمکشان بشتابیم از جمله:

الف- وسیله ماهی گیری در اختیارشان بگذاریم .

ب- آموزش کافی در این زمینه به آنها بدهیم .

ج- آنها را به مراکز صید از دریا که بهتر می توان صید کرد راهنمایی کنیم و نقشه لازم به آنها بدهیم .

روشنتری به این مسأله می‌باشد، و همچنین مسأله «ابن السبیل» و آزاد کردن بردگان نیز در همین رابطه محسوب می‌شود.

اما مصرف دیگر که فی سبیل الله است، و طبق مشهور فتاوی فقهاء، هر کاری را که برای خدا و به نفع خلق خدا انجام شود در برمی‌گیرد و وضوح اینگونه حمایت منطقی از قشرهای محروم را شامل می‌گردد.

۲- افزایش ضریب‌های مالیاتی

راه دیگری که برای کم کردن فاصله‌ها از نظر طبقه اسلامی قایل ملاحظه است استفاده از ضریب‌های مالیاتی است که در دنیای امروز در بعضی از کشورها رایج است.

حکومت اسلامی می‌تواند علاوه بر کمک‌هایی که گفته شد قشرهای ضعیف را از مالیات اسلامی معاف کند، فی‌المثل اگر سهم امام تعلق به آنها گرفته از آنها بگیرد و بازم به خود آنها برگرداند، تا هم قانون را عمل کرده باشند و فراموش نکنند، وهم از معافیت برخوردار شوند.

حکومت اسلامی می‌تواند زکات را از کسی که مشمول حکم زکات است بگیرد و اگر نیازمند و ضعیف است مجدداً به او ببخشد.

(می‌دانیم حکم زکات در اسلام طوری تنظیم شده که گاه شامل حال افراد کم-

۵- وسیله حمل و نقل را که به آنها امکان این را می‌دهد بیشتر و بهتر رسید کنند برای آنها فراهم کنیم تا از دیگران عقب‌نمانند، همه اینها را بلاعوض یا در برابر عوض کمی به آنها بدهیم.

اما آنها که قدرت و توانائی بیشتری دارند و می‌توانند گلیم خود را از آب بکشند لزومی ندارد تا این حد مورد حمایت قرار گیرند.

و اگر ببینیم سود کل جامعه در اینست که برای تولید بیشتر به این قشر نیز کمک کنیم، می‌توان کمک‌ها را بلاعوض در اختیارشان گذاشت بلکه در برابر عوض کافی در اختیارشان بگذاریم.

مصارف هشتمانه زکاة در اسلام نشان می‌دهد که قسمت مهمی مربوط به همین حمایت منطقی از قشرهای محروم است.

اینکه می‌فرماید: «زکات برای فقراء و مساکین است» (انما الصدقات للفقراء و المساکین...) مفهومش این نیست که حتماً آنها را از بیت‌المال تغذیه کنیم بلکه دادن سرمایه و وسیله کار و حمایت‌های دیگری از این قبیل در مفهوم این جمله (و مفهوم کلمه «لام» در لفقراء و المساکین) داخل است بلکه اولویت دارد.

مصرف دیگر زکات که مسأله «غارمین» (بدمکاران) است، اشاره

محرومیت بیشتر جامعه و حتی زیان طبقه کم درآمد خواهد شد.

در چنین موردی حکومت اسلامی که نبض عمده خدمات را در اختیار دارد می‌تواند با نرخ‌گذاری تصاعدی برای خدمات به کم کردن فاصله‌ها کمک مؤثر کند.

مثلاً هیچکس نمی‌تواند بدون استفاده از نیروی برق و آب و جاده‌ها و خدمات بانکی و استفاده از «ارز» فعالیت گسترده اقتصادی داشته باشد، و به این ترتیب همه آنها که فعالیت وسیع اقتصادی دارند به نحوی نیازمند حکومت هستند، و حکومت می‌تواند در همین بزنگاه برنامه‌ای تنظیم کند که هم «آهنگ سریع» تولید کند نشود، و هم جلوگیری از فاصله‌ها را بگیرد.

و از آنجاکه این خدمات معمولاً در دست حکومت است و او در نرخ‌گذاری آزاد می‌باشد هیچ مشکل شرعی به وجود نمی‌آید.

این بود قسمتی از طرق مشروع برای مبارزه با فاصله طبقاتی و اجرای عدالت اقتصادی که مخصوصاً در دراز مدت از طریق برنامه ریزی صحیح به بیعدالتی‌ها پایان می‌دهد بی‌آنکه سبب رکود اقتصادی و پائین آمدن سطح تولید و ایستگی به خارج بشود.

درآمد ضعیف نیز می‌شود مثلاً هر کس بیش از ۲۸۸ من گندم یا جو تولید کند مشمول حکم زکات است چراکه به حد نصاب آن رسیده است درحالی که ممکن است این تولید جو با یکساله او نباشد).

ذکر این موضوع نیز لازم است که طبق روایات اسلامی وقواعد فقهی که در دست داریم (مخصوصاً روایتی که علی بن مهزیار در زمینه خمس مضاعف یعنی دوخمس در یکسال از امام هادی (ع) نقل کرده، حکومت اسلامی می‌تواند «مالیات‌هایی» به تناسب درآمد مردم، علاوه بر خمس و زکات و مانند آن بگذارد و مردم را موظف بپرداختن آن بکند، و این خود یکی از راه‌هایی است که حکومت می‌تواند به وسیله آن در تعدیل فاصله‌های اقتصادی استفاده کند.

۳- نرخ تصاعدی برای

خدمات

می‌دانیم اگر فعالیت مشروع را برای همه مردم یکجمله آزاد بگذاریم و هیچ‌گونه استعمار و استثماری نیز در کار نباشد باز ممکن است بر اثر تفاوت استعدادها بعد از مدت کوتاه یا طولانی گروهی بسیار ثروتمند شوند و گروهی کم درآمد تجربه نشان داده که اگر در چنین مواردی جلوگیری گروه اول را بگیریم نتیجه آن